



# اهداف و تجربیات

## بودجه نفت نروژ

مجید صوفی نژاد

پرونده این ماه، طرح تحول اقتصادی نگاه کارشناس

بودجه مالی (هزینه صرف شده سالیانه از درآمد نفت) با برگشت درآمد واقعی و پیش‌بینی شده به صندوق که در حدود ۴ درصد تخمین زده می‌شود، باید مطابقت کامل داشته باشد. تمامی این سخت‌گیرها به دلیل این است که دارایی کشور باید به نسل بعدی منتقل شده و هر نسلی باید تنها از سود پول استفاده کند و به اصل آن دست نزند. این قانون به ثبات نرخ برابری ارز نیز کمک می‌کند.

### ساختار مدیریت صندوق ذخیره ارزی

ساختار مدیریت این صندوق براساس یک تقسیم‌بندی واضح و روشن مسئولیت بین مقامات سیاسی و مدیران اجرایی شکل گرفته است. وزارت دارایی صاحب صندوق ذخیره بوده و معین کردن اختیارات و کنترل مراحل اجرایی کار برعهده آن است. مدیریت صندوق بودجه برعهده بانک نروژ است. وظیفه بانک اجرای راهکارهای مناسب برای سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت و استراتژیهای کارآمد برای برگشت پول با حداقل ریسک‌پذیری است. علاوه بر این، وزارت دارایی اخیراً به فکر افتاده تا زمینه را برای سرمایه‌گذاری صندوق ذخیره در معاملات ملکی و اموال غیر منقول فراهم کند. عملکرد بانک نروژ بر ۳ اصل استوار است: مسئولیت، شفافیت و داشتن استانداردهای ویژه. شفافیت و آشکارسازی اطلاعات شاخصه مهم صندوق ذخیره است. تمام اصول سرمایه‌گذاری و دستورالعمل‌ها به طور علنی آشکار و به صورت گزارش سالیانه به اطلاع عموم می‌رسند.

### چالشهای اقتصاد نروژ

هنگامی که در مورد تأثیر منابع طبیعی در اقتصاد یک کشور بحث می‌شود، یاد بیماری هلندی می‌افتیم. بحران بیماری هلندی هنگامی رخ می‌دهد که نوسانات فعالیت‌های اقتصادی افزایش می‌یابد و پایه و اساس اقتصاد کشور را به مخاطره می‌اندازند. اما در مورد کشور نروژ تنها می‌توان گفت که اقتصاد این کشور در بالاترین حد ثبات قرار داشته و نوسانات قیمت نفت تنها تأثیر اندکی در درآمد کشور گذاشته است. نروژ در میان دیگر کشورهای شمال اروپا (اسکاندیناوی) مانند فنلاند و دانمارک از رشد تولیدی خوبی نیز برخوردار است. ■

از ۴۰ سال پیش تاکنون نروژ یک کشور نفتی به شمار آمده و ۲۵ درصد از درآمد تولیدی آن کشور از طریق اقتصاد نفت تأمین می‌شود. در اوایل دهه ۱۹۸۰، پارلمان نروژ به فکر تشکیل صندوقی برای تثبیت هزینه‌ها و درآمد دولت افتاد، اما به دلیل آشفتگی اقتصاد کشور و بحرانیهای مالی اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، زمان زیادی طول کشید تا این قضیه صورت واقعی به خود بگیرد، اما در سال ۱۹۹۰ صندوق ذخیره ارزی حاصل از درآمد نفت به طور رسمی تأسیس شد. در سال ۱۹۹۶ اولین انتقال سرمایه به این صندوق به میزان ۴۰۰ میلیون دلار آمریکا صورت گرفت و میزان دارایی صندوق به سرعت رو به افزایش نهاد. اخیراً سرمایه صندوق ۴۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. در حدود یک‌سوم از سهام صندوق (۱۳۰ میلیارد دلار) در شمال آمریکا سرمایه‌گذاری شده است و به نظر می‌رسد میزان سرمایه طی ۵ تا ۱۰ سال آینده دوبرابر شود. هدف از تشکیل صندوق، محافظت از اقتصاد غیر وابسته به نفت در برابر نوسانات قیمت، حمایت مقتصدانه و حسابگرانه از سرمایه نفتی نروژ و اندوخته‌های درازمدت برای انجام دادن تعهدات مالی کشور در آینده است. به علاوه، برای حفاظت کارآمد و مناسب از اقتصاد غیروابسته به نفت، (مستقل از نفت)، و اطمینان از این که سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی مستقل از داراییهای نفتی بخشهای دولتی انجام می‌گیرد، صندوق تنها در خارج از کشور سرمایه‌گذاری می‌کند. این کار، احتمال برگشت سرمایه را افزایش و ریسک کار را کاهش می‌دهد.

### مکانیسم بودجه

صندوق ذخیره ارزی با بودجه دولت ادغام و کل درآمد حاصل از نفت به این صندوق منتقل می‌شود. برطبق این مکانیسم انباشتگی سرمایه در صندوق برابر است با درآمدهای مالی خالص دولت. از سوی دیگر، برای اجرای برنامه‌هایی که در اولویت برنامه‌ریزی قرار ندارند، منع قانونی وجود داشته و هیچ استفاده پنهانی از درآمد حاصل از نفت برای اهداف خاص نمی‌شود.

در سال ۲۰۰۱، پارلمان نروژ دستورالعملی را به تصویب رسانید مبنی بر این که انتقال سالیانه پول از صندوق به

رتبه پنجم را در رده‌بندی پرتورم‌ترین کشورهای جهان به خود اختصاص دهد و این در حالی است که نروژ درست در نقطه مشابه و در قعر این رده‌بندی قرار دارد. در واقع نروژ یکی از ۷ کشوری است که در سال ۲۰۰۷ میلادی کمتر از یک درصد تورم داشته است. بنابراین، این توجیه که تورم بالایی موجود در ایران، حاصل رشد ناگهانی قیمت نفت در بازارهای جهانی است، ادعایی واهی است، چرا که با آمار فروش بالاتر، نروژ باید بیشتر از ایران درگیر مشکل تورم می‌بود، که نیست. با این حساب می‌توان به این نتیجه رسید که اقتصاد ایران با وجود فروش کمتر از نروژ، بیشتر بوی نفت می‌دهد. کشورهایی نظیر نروژ که نفت، این نعمت خدادادی را، سرمایه‌های متعلق به اکتونیان و فرداییان می‌دانند تمام تلاش خود را برای استفاده بهینه از شوکهای نفتی دهه‌های اخیر به کار بسته‌اند، درحالی که کشورهایی نظیر ایران و عربستان، تنها به فکر برگردن چاله‌هایی بوده‌اند که متأسفانه روزه‌روز عمیقتر شده‌اند. بدون شک نفت، در تمام سیستم‌های تدوین بودجه از ابتدا تا به حال، اولین و آخرین راه محسوب شده و همین امر، موجب دامن‌زدن به عقب‌ماندگی جبران‌ناپذیری در مقایسه با کشورهایی نظیر نروژ تازه به نفت رسیده یا مالزی که تقریباً از زمان انقلاب اسلامی گامهای بلند خود را برداشته، شده است.

پیامدهای تکیه بر این تکیه‌گاه رو به اتمام هیچ‌گاه خوشایند نبوده و نیست و کشور باید به فکر تولید تکنولوژی، تربیت نیروی انسانی کارآمد و آموزش مدیران توانمندی در حوزه انرژی باشد که در غیر این صورت، هر روز شاهد تنگ‌تر شدن مجال پیشرفت در تمام حوزه‌های انرژی خواهیم بود. از این نکته هم نباید غافل شد که نروژ و کشورهای از این دست، با بالا رفتن قیمت نفت دست به توسعه انرژیهای تجدیدپذیر زده‌اند، یعنی کاری که ایران به دلیل قیمت ارزان گاز و امیدوار بودن به منابع نفت خویش، تمایل چندانی بر انجام دادن آن ندارد.

در پایان، جملات زیر از رئیس موزه نفت نروژ خالی از فایده نخواهد بود:

«ما باید این ثروت را با درایت و برای رفاه مردم خرج کنیم و باید بیشتر به فکر حفظ درازمدت این منابع باشیم. به همین دلیل، یک صندوق ارزی نفت به وجود آورده‌ایم و هزاران میلیارد کرون در آنجا ذخیره کرده‌ایم. این ثروت برای آینده است. برای این است که از این منابع بیش از حد برای رفاه امروزان استفاده نکنیم. به نظر من، این سیاست صحیحی است و فکر می‌کنم که مسئولان تا به حال با ذکاوت عمل کرده‌اند.» ■